



دکتر صالح اسکندری، رئیس سازمان چاپ و انتشارات و مدیرکل امور رسانه‌ها

## فقها را از مجلس بیرون راندند...



قانون اساسی است که بدون نظارت و تایید دقیق آن هیچ یک از قوانین پارلمان مشروع نیست و قابلیت اجرا ندارد. تجربه استبداد رضاخانی که مولود نامشروع غفلت از اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت بود و ضرورت تشکیل یک نهاد قدرتمند برای تضمین کارآمدی قانون اساسی در سال‌های پس از انقلاب دلالت معنایی تشکیل شورای نگهبان بود. حضرت امام خمینی (ره) با توجه به این معنا بارها مجدانه و مصرانه در برابر تضعیف جایگاه شورای نگهبان ایستادگی کردند. ایشان به‌عنوان نمونه در یکی از رهنمودهایشان فرمودند: «در آن زمان (صدر مشروطیت) به تدریج فقها را از مجلس بیرون راندند و به سر این ملت آن آوردند که دیدیم. من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیم را ساقط می‌نماید.»

۴- آسیب‌شناسی نهضت عدالتخواهی ایرانیان در سال‌های ۱۳۲۴ ق تا ۱۳۳۰ ق مسبوق به درک صحیح از خلط مفهومی بین عدالت اسلامی و مدلول مساوات و آزادی غربی و یا عدالتخانه و مشروطه است. اختلاط ناپه‌نجار مفاهیم در این نهضت به وضوح به چشم می‌خورد. این موضوع در ادامه منجر به نوعی آنومی اجتماعی شد که سرانجام محصول آن دیکتاتوری رضاخانی بود. در واقع عدالتخواهی جامعه ایرانی به واسطه درک ناصواب مفاهیم از مسیر طبیعی و بومی خود خارج شد و عدالتخانه جای خود را به پارلمان الگوبرداری شده از مجالس بلژیک و فرانسه داد. فرجام تلخ مشروطه آگاهان اجتماعی را به لزوم آسیب‌شناسی عدالتخواهی که ظرفیت و پتانسیل بالایی برای حرکت‌های اجتماعی ایجاد می‌کند، واقف نمود. چنین ظرفیتی همیشه این امکان را فراهم می‌سازد که بدخواهان چشم طمع به آن داشته باشند و بخواهند این انگیزه پاک را محرک تغییرات اجتماعی دلخواه خود کنند که با مسیر عدالتخواهی اصیل میراث مولای متقیان امیر مومنان (ع) متفاوت است.

می‌کنند که سیاهی کنیز اشاره است به غصبیت اصل تصدی، و آلودگی دست اشاره به همان غصب زائد و مشروطیت چون مزیل آن است، لهذا به شستن ید غاصبانه متصدی تشبیهش فرموده‌اند. اما به نظر می‌رسد آنچه که بیشتر از این معنا افاده می‌شود، سیاهی کنیز است که با شستن و نشستن، این جوهره پاک نخواهد شد. مشروطه، جمهوری و دموکراسی هیچ کدام مشروعیتی برای حکومت نیستند. حکومت از آن خداست که البته در مقابل استبداد، مشروطه در بهترین حالت «اکل میته» است. صرف نظر از اینکه همین مشروطه در واقعیت برخلاف تمام تصورات علما از کار درآمد و تازه فریادهای شیخ فضل‌الله نوری (ره) برایشان معنا شد. اما امروز در حکومت اسلامی اتقان مشروعیت بر دال برتر ولایت فقیه است به حسب حاق حقیق، این حکومت از آن خداست و هر حکومتی که از آن غیر خدا باشد، طاغوت است. اگر در این کشور مردم‌سالاری هم وجود دارد، در درجه اول این مردم‌سالاری مقتبس از اسلام است و در درجه دوم تنها به واسطه ولایت است که افاده معنای الهی می‌کند. مردم می‌دانند که ولایت فقیه در این مملکت یک برکت الهی است و این برکت به آسانی به دست نیامده است. ولایت فقیه حاصل مجاهدت فقها و علمای بسیاری در تاریخ است که بسیاری از آنها برای جامعه‌پذیری این موضوع بر سر دار رفتند. ۲- پس از تشکیل حکومت مشروطه و ایجاد مجلس قانونگذاری، از لحاظ نظری قوانین و فقه، دو نظام جداگانه شد.

در واقع تلاش مجدانه‌ای برای قانون‌سازی از فقه و نظام حقوقی اسلام صورت نگرفت. ابتکار فرماندهی به حقوق رسید و بازرسی و نظارت به شرع واگذار شد. منتها این مرزبندی در عمل ثابت نماند. نظارت فقیهان بر قانونگذاری دیری نپایید و هیچ‌گاه به طور کامل استقرار نیافت. انقلاب ۱۳۵۷ و در پی آن قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور رسمی فقه اسلامی را به صحنه زندگی آورد و سایر نهادهای حقوقی را در خدمت این هدف گرفت. هدف قانون اساسی جمهوری اسلامی این است که ضمن قانون‌نویسی از فقه جعفری اتحاد حقوق و مذهب را تحقق بخشد. حلقه اصلی این اتحاد شورای نگهبان

۱- مرحوم آیت‌الله... میرزا محمدحسین نائینی (ره) صاحب «تنبیه الامه و تنزیه المله» در کتاب خود با اشاره به رویایی که خود دیده‌اند، می‌نویسند: «چند شب قبل از این در عالم رویا خدمت مرحوم آیت‌الله... آقای حاجی میرزا حسین تهرانی - قدس سره - نجل مرحوم حاجی میرزا خلیل - طاب رمسه - مشرف و پس از التفات به رحلت ایشان و گرفتن طرفین ردای مبارک‌شان برای استفاده، و امتناع ایشان از جواب مسائل راجعه به عالم موت و نشسته بر رخ و آخرت و تمکین از جواب مسائل دیگر، سوالاتی عرض شد و از لسان مبارک ولی عصر - ارواحنا فداه - نقل جواب فرمودند. بعد از ختم آنها عرض کردم: اهتمامات شما را در خصوص مشروطیت چه فرمودند؟ حاصل عبارت جواب این بود: حضرت فرمودند: مشروطه اسمش تازه است مطلب که قدیمی است، مثالی که متضمن به تشبیه باب که شرحش در نظرم نماند، ذکر فرموده، بعد به این عبارت گفتند: حضرت فرمودند: مشروطه مثل آن است که کنیز سیاهی را که دستش آلوده باشد به شستن دست وادارش نمایند انتهی.»

مرحوم نائینی ذیل بیان این رویا بر این نکته تاکید

آسیب‌شناسی نهضت عدالتخواهی ایرانیان در سال‌های ۱۳۲۴ ق تا ۱۳۳۰ ق مسبوق به درک صحیح از خلط مفهومی بین عدالت اسلامی و مدلول مساوات و آزادی غربی و یا عدالتخانه و مشروطه است. اختلاط ناپه‌نجار مفاهیم در این نهضت به وضوح به چشم می‌خورد.